



The personality The Twelve-Day War of Israel Against Iran and Its Repercussions on the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran at the Extra-Regional Level (China and Russia)

Siavash yousefpour¹

Abstract

This study aims to examine the impact and repercussions of the Twelve-Day War waged by Israel against Iran on the foreign policy of the Islamic Republic of Iran at the extra-regional level (China and Russia). The present research is written using a descriptive–analytical approach and seeks to answer the following question: What impact has the Twelve-Day War of Israel against Iran had on Iran’s security perceptions, deterrence policy, and foreign policy orientation? The findings indicate that the security threat posed by Israel against the Islamic Republic of Iran has led to increased security cooperation between Iran and extra-regional countries, including Russia and China. Evidence suggests that these cooperations have taken place primarily in the military and economic spheres

Keywords: Twelve-Day War, Israel, Iran, Policy Repercussions, China and Russia.

¹ PhD Candidate in International Relations, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (Corresponding Author)



جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران و بازتاب آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سطح فرا منطقه (چین و روسیه)

سیاوش یوسف پور^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۶

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر و بازتاب جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سطح فرا منطقه (چین و روسیه) انجام شده است. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی نگارش یافته و درصدد پاسخ به این سؤال هست جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران چه تأثیری در ادراک امنیتی، سیاست بازدارندگی، جهت گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ یافته های تحقیق نشان می دهد که تهدید امنیتی اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران باعث همکاری های امنیتی جمهوری اسلامی ایران به کشورهای فرا منطقه از جمله روسیه چین شده است. شواهد نشان می دهند که این همکاری ها در حوزه های نظامی و اقتصادی صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: جنگ ۱۲ روزه، اسرائیل، ایران، بازتاب سیاست، چین و روسیه

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول).

siavash.yousefpour6929@gmail.com

فصلنامه دانش نامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره بیستم، پاییز ۱۴۰۴، صص ۴۷-۲۷

مقدمه

جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران باعث شد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نگاه به شرق را به طور جدی تر در سیاست خارجی خود مورد بازبینی قرار دهد و ارتباطات خود به قدرت نوظهور مثل کشور چین و روسیه را تحکیم بخشد. چراکه با توجه به ساختار نظام بین الملل که بدون پلیس جهانی است نباید احتمالات جنگ را نادیده گرفت. این ساختار که هرج و مرج نامیده می شود، دولت ها بالاترین مرجع تصمیم گیری برای دولت خود می باشند و افزایش قدرت برای امنیت از مهم ترین رکن های تصمیم گیری برای هر بازیگر در نظام بین الملل است. بحران نظامی کوتاه مدت باعث شد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به طور جدی متأثر از وقایع ناخوشایند نظام آنارشیک قرار بگیرد و نزدیک تر شدن به دو قدرت بزرگ مثل چین و روسیه را در تعاملات خود در حوزه های مختلف: نظامی، امنیتی، اقتصادی به طوری جدی بعد از جنگ ۱۲ روزه گستره دهد. جنگ اسرائیل علیه ایران محرک بازتاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در ادراک امنیتی، سیاست بازدارندگی و همکاری چندجانبه متمرکز با قدرت های بزرگ برای دفاع از تمامیت ارضی و دستیابی به امنیت و بقا در سیطره جهان بدون دولت قانونمند شود. در این پژوهش به دنبال پاسخ به سؤال جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران چه تأثیری در ادراک امنیتی، سیاست بازدارندگی، جهت گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ خواهیم بود که با بررسی و مطالعات علمی پاسخی درخوری برای این پرسش یافت می کنیم.

در این پژوهش سیاست خارجی جمهوری اسلامی را پس از جنگ ۱۲ روزه را در حوزه های مختلف امنیتی، نظامی، اقتصادی و انرژی مورد تبیین قرار خواهیم داد. جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ، چرخش های سیاسی خود در نظام بین الملل باهدف جلوگیری از تهدیدات اسرائیل، روابط خود را با قدرت های بزرگ در فرا منطقه بیشتر توسعه داده تا بتواند با ایجاد موازنه سازی قدرت از سیاست تهاجمی اسرائیل و آمریکا جلوگیری به عمل آورد.

چارچوب نظری

تحلیل رفتاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با توجه به بحران ۱۲ روزه و تنش‌های اخیر را می‌توان با توجه به نظریه رئالیسم بیان کرد. بر اساس منطق رئالیسمی تنها راه حفظ بقا و امنیت افزایش قدرت است، چرا؟ چون بازیگران در یک نظام آنارشیک زندگی می‌کنند که رقابت و کسب قدرت برای هر بازیگری امر طبیعی و دائمی به نظر می‌رسد. عقیده آن‌ها بر این است که دولت‌ها بازیگران اصلی نظام بین‌الملل می‌باشند (عرفانی ۲۳-۲۴: ۱۴۰۳). در ادبیات رئالیسمی شاخه‌ای که بر حفظ وضع موجود تأکید دارد رئالیسم تدافعی نام دارد یعنی بازیگر قدرت خود را افزایش می‌دهد تا به امنیت کامل دست یابد. باملاحظه به این دیدگاه می‌توان به تحلیل مناسبی از جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سیاست بازدارندگی و نیز رفتار و تصمیمات ایران بر اساس امنیتی و دفاعی پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران را مورد بررسی و تبیین قرار داد.

ادبیات تحقیق

جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران در مجلس شورای اسلامی، کمیسیون اصل ۹۰ گزارش جنگ را از ابعاد مختلف تا ارائه راهکارهای گوناگون را تصمیم‌گیری کرد و نیز در حوزه‌های متعدد مأموریت‌های اجتماعی، رسانه‌ای و سیاسی دستگاه‌های ذی‌ربط ارائه کرده است (۱۹ مرداد ۱۴۰۴: تسنیم) اما در مورد بازتاب، تأثیرگذاری و ادراک امنیتی ایران سخنی به میان نیامده است. در این تحقیق با توجه به چهارچوب نظریه به این موارد خواهیم پرداخت دوران تنش‌ها و چالش‌های ایران از ۲۴۰۰ سال قبل تا معاصر و اشاره به جنگ تحمیلی ۸ ساله، ایران استراتژی حاکمیت را خوداتکایی نظامی و خودکفایی اقتصادی در نظام بین‌الملل به تصویر کشیده است و با این طریق برای بازدارندگی مستقل جهت حفظ وضع موجود را مورد تأکید قرارداد است. در توضیحی دیگر بیان می‌کند؛ جنگ ۱۲ روزه نیز، ارزیابی جدی برای سنجش واقعی وزن ژئوپلیتیک ایران در نظام بین‌الملل بود اما تحلیلی در مورد بازتاب و

ادراک امنیتی جنگ نسبت به آمریکا و اسرائیل با توجه به ساختار نظریه بیان نکرده است (اعتماد خبر: ۲۸ مرداد ۱۴۰۴) در پژوهش حاضر آن را مورد بررسی و تبیین می‌کنیم. در پژوهش حاضر با توجه به اینکه زمانی زیادی از جنگ ۱۲ روزه سپری نشده است. منابع مطالعاتی مختص به رسانه‌ها است که تحلیل‌های در مورد بحران توسط پژوهشگر بر مبنای رسانه‌های داخل و خارج ارائه شده است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی نگارش یافته و باهدف بررسی تأثیر و بازتاب جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. روش توصیفی-تحلیلی به پژوهشگر امکان می‌دهد با بهره‌گیری از داده‌های موجود و اسناد رسمی، واکنش‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران را پس از بحران نظامی کوتاه مدت شناسایی و تحلیل کند.

علل و زمینه‌های جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران

جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران نمونه‌ای از تنش‌های پیچیده منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است که ریشه در عوامل امنیتی، سیاسی، اقتصادی و هویتی دارد. رژیم صهیونیستی با نگرانی از قدرت هسته‌ای، نظامی و اقتصادی ایران و همچنین نفوذ ایران در محور مقاومت، این درگیری را آغاز کرد. اهداف اسرائیل شامل تضعیف توان بازدارندگی ایران، کاهش ظرفیت اقتصادی و محدود کردن نفوذ منطقه‌ای آن بود. این بحران نشان‌دهنده هم‌پوشانی راهبردهای امنیتی و اقتصادی با رقابت‌های سیاسی و هویتی در خاورمیانه است. در نوشتار حاضر علل جنگ ۱۲ روزه را چهار علل امنیتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مورد بحث قرار می‌دهیم.

علل امنیتی

مهم‌ترین علل وقوع بحران ۱۲ روزه برمی‌گردد به اوایل قرن بیستم که به ظن، ریشه در برنامه هسته‌ای ایران دارد. برنامه‌ای که در قالب هسته‌ای برای صلح، که گویای تحقیق و توسعه علمی، بازدارندگی، کاربرد صنعتی و پزشکی و نیز دیپلماسی بین‌الملل تعریف شده است. از سال ۲۰۰۰ میلادی رژیم صهیونیستی با استراتژی‌های سیاسی از راه‌های مختلف از جمله فشار به بازیگران قدرتمند نظام بین‌الملل برای محکوم کردن برنامه هسته‌ای، تشویق و تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت، زنگ خطر بالقوه نظامی و هسته‌ای و در آخر با در دست احاطه کامل رسانه‌های بین‌المللی در جهت تغییر و تعبیر افکار عمومی تلاش به عمل آورد که ایران اسلامی تهدیدی واقعی نه تنها برای بازیگران منطقه‌ای بلکه برای بازیگران فرامنطقه‌ای حتی نظام بین‌الملل نیز خواهد بود. جنگ ۱۲ روزه از جانب رژیم صهیونیستی باهدف کاهش تهدیدات استارت خورد (۱۵ آبان ۱۴۰۴: human rights institute).

از دلایل دیگر جنگ ۱۲ روزه می‌توان حمایت از حماس و غزه اشاره داشت. از دیدگاه اسرائیل، حمایت جمهوری اسلامی ایران توانایی‌های رژیم صهیونیستی را در ژئوپلیتیک منطقه کاهش خواهد داد و باعث توانایی بازدارندگی حماس و غزه در اسرائیل خواهد بود. در نتیجه ایران اسلامی به عنوان بازیگر اصلی و سازنده در خاورمیانه خواهد بود و توانایی‌هایی فرامرزی اسرائیل به درهای بسته خواهد می‌خورد. با توصیف این عاملیت‌ها اسرائیل جنگ ۱۲ روزه را شروع کرد که هدف آن کاهش توان بازدارندگی ایران در حمایت از گروه مقاومت بود (عبدولی ۱۷ ژوئن ۲۰۲۱: the Washington institute).

تبیین درگیری کوتاه مدت رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی، حمایت ایران از حزب‌الله پس از انقلاب اسلامی و جهت‌گیری سیاست خارجی ایران کمک به مستضعفان جهان و دشمن خواندن اسرائیل از جانب امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی بود. از دیدگاه اسرائیل بیانات رهبر کبیر، موجودیت بازیگری رژیم را از دهه‌های اخیر و در آینده در منطقه و حتی خاورمیانه به چالش کشیده می‌کشاند. همچنین بیان می‌دارند که ایران در تلاش است تا وجه خود را در منطقه به عنوان قدرت اول منطقه تثبیت کند و اهدافش را در

خاورمیانه به عمل و مرحله اجرایی رساند. به باور اسرائیل هدف حمایت جمهوری اسلامی ایران از حزب الله لبنان تهدیدی مستقیم علیه مرزهای شمالی کشورش است. لذا جنگ ۱۲ روزه را باهدف تثبیت موجودیت اسرائیل در منطقه آغاز می نماید (عمان خالد ۲۰۲۵: ۵۵-۵۶)

رزمایش های ایران و چین و روسیه در حوزه نظامی و مطالب گفته شده نشان می دهد ایران قبل از جنگ ۱۲ روزه سیاست های دفاعی و امنیتی خود را با چین و روسیه در سطح فرا منطقه افزایش داده است. این مأموریت ها در حوزه های چون؛ اهداف دریایی، کنترل آسیب و عملیات جست و جو و نجات بود. اسرائیل رزمایش های ایران و چین را تهدیدی علیه موجودیت رژیم خود می دانست در نتیجه با درخواست کمک یا تعبیر دیگر حمایت های نظامی از طرف متحد های اسرائیل، آمریکا و اروپا تهدیداتی امنیتی و دفاعی خود را افزایش داد. این کمک رسانی ها برای افزایش قدرت اسرائیل در منطقه بود که نهایتاً بیان می دارد افزایش نفوذ و تسلیحاتی اسرائیل یعنی گسترش درگیری های در سطح دولتی، منطقه و حتی نظام بین الملل خواهد بود و نتیجه ای که از حمایت های غربی می توان برداشت کرد جنگ ۱۲ روزه علیه ایران ختم شد (the Washington institut)

به علاوه به بیان بهتر جنگ ۱۲ روزه علل مختلفی را دربرداشته است که بسته به دوران، نوع و رفتار در آن بازه زمانی متفاوت بوده است. اسرائیل از اوایل انقلاب با ناکامی های زیادی روبه رو می شود. اسرائیل با دکترین محاصره ایران سعی در انزوای جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین المللی و حتی ائتلاف ها در سطح منطقه و فرا منطقه امنیت ایران را داشته است. جمهوری اسلامی ایران با مقاومت و گذر در برابر دکترین و ائتلاف ها توانایی های اسرائیل را در منطقه به چالش کشید و عکس العمل اسرائیل در برابر مقاومت ها و افزایش توانایی های ایران در طی این ده ها بها هدف افزایش امنیتی خود جنگ ۱۲ روزه علیه ایران بود (ر.ک شهبازی ۱۳۹۳: ۱۰۷)

با توجه به حمایت های ایران از سوریه باید این طور در نظر داشت که سوریه متحدی کلیدی برای جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجه اش است. حمایت های همه جانبه ایران به

سوریه در جهت حفظ وضع موجود در دنیای آنا‌رشی تلقی می‌شد. (Rafał 208-209: OŻAROWSKI2018) قبل از سقوط بشار اسد، اسرائیل در صدد نفوذ سیاسی، امنیتی و حتی نظامی در سوریه بود چراکه سیاست بشار اسد در ضدیت با اسرائیل و در راستای سیاست‌های ایران بود. بهر حال اسرائیل با حمله به ایران و هدف قرار دادن زیرساخت‌های نظامی ایران سعی در تضعیف ایران از لحاظ نظامی داشت (Kim Seung-Hyun 2024: 314)

بعد دیگر درگیری سایبری در جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران است که با اقدامات متقابل ایران، اسرائیل را با چالش‌های امنیتی جدی مواجه کرد. جمهوری اسلامی ایران با نمایش توانمندی‌های فناوری سایبری پیشرفته، از دیدگاه اسرائیل، یک تهدید جدی به شمار می‌رفت که می‌توانست زمینه را برای حملات سایبری در دیگر حوزه‌ها، از جمله اقتصادی و نظامی، فراهم کند؛ بنابراین، حمله ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران را می‌توان به عنوان اقدامی برای تضعیف ظرفیت جنگ سایبری ایران و یکی از علل این مناقشه در نظر گرفت (Laila Rizky Amaliya2025: 46-47)

جنگ ۱۲ روزه که اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز نمود ریشه در بنیان‌های فکری و نظامی رژیم صهیونیستی قرار دارد. اسرائیل با رشد چشم‌گیر ایران در زمینه‌های دفاعی و موشکی آن را تهدیدی علیه موجودیت رژیم می‌پندارد، تهدیدی که افزایش تنش با جمهوری اسلامی ایران به سطح بالا سوق داد. از دیدگاه اسرائیل، ایران با افزایش توان موشکی و جه بازیگری خود را در سطح منطقه به عنوان قدرت بزرگ افزایش می‌دهد. ترور شخصیت‌ها در خاک ایران نوعی تجاوز به تمامیت ارضی ایران است. عملیاتی که از جانب ایران به نام وعده صادق ۳ نام‌برده می‌شد پاسخ به اسرائیل بود. اسرائیل با آغاز جنگ پیش‌دستانه و تجاوز به تمامیت ارضی ایران سعی داشت معادلات منطقه‌ای خود را در جهت منافع خویش تغییر دهد. حمله به ایران باهدف تضعیف توان موشکی ایران با برد بسیار بالا و کاهش توان نظامی از جمله سیاست‌ها و راهبردهایی بود که علیه ایران آغاز نمود (Xinhua:2025)

جنگ ۱۲ روزه اسرائیل را می‌توان در حوزه ترور علمی مورد تبیین نیز قرارداد. اسرائیل به عنوان یک بازیگر زورگو در منطقه، اهداف و منافع خود را از طریق تهدید و حتی حمله

نظامی به دست می آورد. اسرائیل در جریان جنگ ۱۲ روزه خود علیه ایران با تروهای علمی دانشمندان هسته‌ای ایران در جهت تضعیف و حتی نابود کردن برنامه هسته‌ای و علم آن سعی داشت خود را به عنوان قدرتمندترین بازیگر در حوزه قدرت هسته‌ای در سطح منطقه معرفی نماید (خبرگزاری جمهوری اسلامی: ۱۵ تیر ۱۴۰۴)

علل سیاسی

یکدیگر از عوامل جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران را می‌توان در مذاکرات بین ایران و آمریکا مورد تجزیه و تحلیل قرارداد. در صحنه نظام بین‌الملل سیاست‌های امریکا با واقعیت مصالحه اختلاف حداکثری دارد (Huzeir Ezekiel Dzulhisham, 2024:2)

مطالعه، بررسی و تحلیل جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران را باید در ادراک هویتی و جنگ‌طلبانه نخست‌وزیر اسرائیل مورد تبیین قرار داد. نتانیاهو برای تحکیم موقعیت خود و استقرا زور بر منطقه، به دنبال سیاست جنگ برای بقا و امنیت بوده است. درحالی که برنامه اتمی ایران در جهت صلح بوده است بارها این برنامه را در مسیر اشتباه برای قدرت حامی و بزرگ نظام بین‌الملل تعریف کرده است تا برنامه هسته‌ای ایران را برابر با تبدیل شدن ایران به بازیگر قدرتمند بمب هسته‌ای در سطح نظام بین‌الملل برشمارد. در نتیجه باین این گفتار که از محیط آنارشیست سرچشمه می‌گیرد جنگ علیه ایران را مشروع و بهانه را برای جنگ ۱۲ روزه علیه جمهوری اسلامی ایران به انجام رساند (the gurdien, bayoimu, 2025:13).

(jun).

رقابت‌های دو قدرت بزرگ آمریکا و روسیه را می‌توان در چارچوب علل جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران مورد بررسی و تبیین قرار داد. همکاری‌های ایران و روسیه که در دیدگاه سیاست‌مداران روسیه به عنوان همکار من و از طرف دیگر از دید متحد استراتژیک آمریکا یعنی اسرائیل که به تعبیر مفسرین و پژوهشگران سیاسی، ایالت دیگر آمریکا در سطح منطقه است نشان می‌دهد که از یک سو همکاری‌های ایران و روسیه در سطح نظامی، اقتصادی و انرژی و از طرف دیگر در همین سطح برای، اسرائیل یک چرخه بی‌پایان امنیتی ایجاد کرده

است. اسرائیل با در نظر گرفت این سطح از همکاری‌های ایران و روسیه تهدیدات امنیتی خود در زمینه دفاعی در رابطه با آمریکا در سطح کلان گسترش داد و سرآغازی برای جنگ ۱۲ روزه با ایران بود (AdibaTahirGill2025: 224-225).

علل اجتماعی

بازتاب هویتی از دیگر عوامل جنگ دوازده‌روزه است. سیاست خارجی اسرائیل را باید از منظر تاریخی موردبررسی قرارداد. بازیگری اسرائیل در میان کشورهای مسلمان برخاسته از هویت‌های یهودی است که اگر برگردیم به عقب با اتفاقات تاریخی چون هولوکاست و جنگ با اعراب خواهیم دید که سیاست خارجی اسرائیل برخاسته از تفسیرات ایدئولوژیکی امنیتی بوده است. هویت امنیت محور باعث پدید آمدن دکترین آهنین در سیاست خارجی اسرائیل شده است به این معنی که تنها قدرت نظامی هسته‌ای در منطقه برای افزایش بقای خویش است. اسرائیل در رابطه با ایران به علت تفاوت اندیشه و جغرافیا، جمهوری اسلامی را مهم‌ترین خطر امنیتی خود می‌داند. بنا به همین علت است که سیاست خارجی این بازیگر مدام در تقابل، رقابت و تنش با ایران بوده است. این سیاست‌ها برای رژیم صهیونیستی به منزله تهاجمی در سطح منطقه بود است و سر آغازی برای جنگ ۱۲ روزه علیه جمهوری اسلامی ایران است (قلی‌پور و همکاران ۱۴۰۴: ۷).

علل اقتصادی

با توجه به نظریه واقع‌گرایی که قدرت برای بقا و امنیت است، رژیم صهیونیستی برای بقا و امنیت خود صادرات نفت ایران به کشورهای منطقه و فرا منطقه در دیدگاه خود تهدیدی علیه موجودیت رژیم و افزایش توان اقتصادی ایران تصور می‌کرد. طبق نظریه رئالیسم؛ بازیگری که اقتصادی قوی داشته باشد حتماً به سوی تکنولوژی و فناوری نظامی گام خواهد برداشت و نیز توان میلیتاری خود را تقویت خواهد کرد. لذا یکی از علل جنگ ۱۲ روزه

اسرائیل را می‌توان در این موضوع قرار داد ضربه زدن به ساختارهای اقتصادی - صنعتی جمهوری اسلامی ایران برداشت نمود. (middil east monitor: 2025)

جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران را می‌توان در حوزه‌های مختلف تحلیل کرد و یکی از ابعاد کمتر پرداخته شده، انگیزه‌های اقتصادی اسرائیل در آغاز این درگیری است. رژیم صهیونیستی با هدف تضعیف بنیان‌های اقتصادی ایران، تلاش کرد با ایجاد اختلال در زیرساخت‌های انرژی و افزایش فشارهای خارجی، هزینه‌های معیشتی مردم ایران را بالا ببرد و تورم را تشدید کند. در همین راستا، تل‌آویو امیدوار بود که با فعال‌سازی سازوکارهای فشار بین‌المللی از جمله تشویق تروئیکای اروپایی برای احیای مکانیسم ماشه توان نظامی و ظرفیت اقتصادی ایران را در پایین‌ترین سطح ممکن قرار دهد. از این منظر، فشار اقتصادی بخشی از منطق راهبردی اسرائیل برای تضعیف قدرت منطقه‌ای ایران و یکی از دلایل مهم آغاز این جنگ تلقی می‌شود (تحلیل داده‌های اقتصادی: ۱۴۰۴/۰۴/۰۵)

بازتاب جنگ ۱۲ روزه بر سیاست فرامنطقه‌ای ایران

تحولات پس از جنگ ۱۲ روزه، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را وارد مرحله‌ای تازه از بازتعریف اولویت‌ها و شرکای راهبردی کرد. در این چارچوب، رویکرد نگاه به شرق با تمرکز ویژه بر چین و روسیه، به ابزاری برای تقویت بازدارندگی، کاهش فشار تحریم‌ها و افزایش تاب‌آوری اقتصادی بدل شد. همکاری‌های فزاینده در حوزه‌های نظامی، فناوری، انرژی و زیرساخت نشان‌دهنده تلاش ایران برای تثبیت جایگاه خود در نظم در حال گذار بین‌المللی است. این روند بیانگر پیوند هم‌زمان امنیت و توسعه در راهبرد کلان سیاست خارجی ایران پس از بحران است.

چین

سیاست خارجی ایران بعد از پشت سر نهادن ۱۲ روز جنگ تحمیلی در سطح فرامنطقه با بازیگران سرنوشت‌ساز در ساختار نظام بین‌الملل (چین و روسیه) باهدف تقویت همکاری در زمینه فناوری و تکنولوژی‌های نظامی و هوش مصنوعی در سطح گسترده رو به افزایش رفت.

پس از جنگ با گذار از GPS به سامانه ناوبری ماهواره‌ای Beidou چین مورد استفاده قرار داد. همکاری‌های ایران و چین در زمینه موشکی و سامانه‌های دفاعی نیز در سطح گسترده مورد عمل واقع شد از جمله موشک‌های زمین به هوای HQ-9B که این سامانه قادر است در کنار S-300 روسی عمل کند. همچنین نیز ادغام فناوری چینی در حوزه نیمه‌هادی، هوش مصنوعی و رادارهای ایران در بخش پهبادی و موشکی که چالش را برای ردیابی اطلاعات ایجاد می‌کند با هدف بازدارندگی اسرائیل مورد توجه قرار داده‌اند (توماس گورملی ۱۵ اکتبر: ۲۰۲۵ realcleardefense)

پس از جنگ ۱۲ روزه، ایران برای کاهش آسیب‌پذیری‌های اقتصادی و انرژی، سطح همکاری‌های خود با چین را به‌طور محسوسی گسترش داد. الگوی همکاری از مبادلات محدود مانند «خودرو در برابر مس» به معاملات گسترده‌تر و ساختاری‌تر مانند «نفت در برابر زیرساخت» تغییر یافت و چین در حوزه‌های انرژی، حمل‌ونقل، فناوری شهری و زیرساخت‌های صنعتی حضور پررنگ‌تری پیدا کرد. این تحول باعث شد وابستگی متقابل اقتصادی میان دو کشور افزایش یابد و ایران از فشار تحریم‌ها و اختلالات ناشی از بحران جنگی فاصله بگیرد. همچنین حضور اقتصادی چین، هزینه بی‌ثبات‌سازی ایران برای بازیگران خارجی را افزایش داد و نوعی بازدارندگی نرم ایجاد کرد. تقویت این همکاری‌ها در کنار افزایش صادرات نفت به چین، به عنوان بخشی از راهبرد سیاست خارجی ایران پس از جنگ دنبال شد. در نتیجه، همکاری اقتصادی با چین به ابزاری برای بازسازی، ثبات‌سازی و ایجاد پشتوانه ژئوپلیتیک برای ایران بدل شد (میر محمد صدقی ۲۰۲۵/۱۰/۰۷ eruo news)

بعد از جنگ جمهوری اسلامی ایران سیاست نگاه به شرق را الخصوص چین را در سیاست‌های خود مورد بازبینی قرار داده است. این بررسی‌ها در زمینه اقتصادی و هم دیپلماتیک می‌تواند از فشارهای اقتصادی و امنیتی رژیم صهیونیستی جلوگیری کند. ایران با خرید جت‌های جنگنده z10c و همچنین با ایجاد مسیرهای تجاری از طریق آسیای مرکزی به چین همکاری خود را با این کشور به‌طور چشم‌گیر افزایش داده است. گسترش این راه باعث می‌شود ایران مسیرهای همکاری خود را متنوع‌تر کند و فشار را بر اسرائیل در مورد

تقویت همکاری با کشورهای آسیای شرقی که وزنه‌ای سنگین در برابر رژیم صهیونیستی است تقویت کند (Emil Avdaliani:2025)

از مصادیق دیگر پس از بحران ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران این است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی با بزرگ‌ترین و قدرتمندترین کشور آسیای شرقی باهدف بازدارندگی نظامی و جلوگیری از تهدیدات رژیم صهیونیستی در جامعه آنارشیک بین‌المللی همکاری‌های خود را در حوزه موشکی ارتقاء داد. خرید پرکلرات سدیم که در تولید سوخت جامد موشک‌های بالستیک کاربرد فراوان دارد را تهیه نمود. این اقدامات در جهت بازدارندگی دشمنان از طریق قدرت نظامی با فرض حمله از طرف دشمن یعنی حمله متقابل از طرف ایران خواهد بود (میرمحمد صدقی: ۱۰/۳۰/۲۰۲۵: euro news)

روسیه

حمله ۱۲ روزه آمریکا و اسرائیل علیه ایران، روسیه را در وضعیت ژئوپلیتیکی دشواری قرار داد، زیرا تضعیف ایران به معنای کاهش نفوذ مسکو در خاورمیانه و ضربه به پروژه‌هایی مانند کریدور شمال-جنوب است. همکاری نظامی دو کشور نیز تحت تأثیر قرار گرفت از سوی دیگر، عقب‌رانده شدن برنامه هسته‌ای ایران در اثر حملات اخیر، نفوذ روسیه در پرونده ایران را کاهش می‌دهد. باوجوداین دو کشور همچنان در حوزه‌هایی چون قفقاز جنوبی، آسیای مرکزی و پروژه‌های ترانزیتی اوراسیایی همکاری می‌کنند (دیپلماسی ایران: ۱۴۰۴)

پس از بحران جنگی کوتاه مدت و آسیب‌دیدگی برخی مراکز هسته‌ای، جمهوری اسلامی ایران با هدف تقویت همکاری‌های انرژی و ارتقای توان بازدارندگی نرم، توافق توسعه هسته‌ای با روس اتم را در دستور کار قرار داد. این توافق شامل ساخت ۸ نیروگاه هسته‌ای جدید بود که هم به تأمین انرژی پایدار کشور کمک می‌کند و هم نشان‌دهنده پیام تکنولوژیک و قدرت صنعتی ایران در منطقه است. این تصمیم، بخشی از سیاست خارجی ایران برای کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری اقتصادی و صنعتی محسوب می‌شود. علاوه بر آن، همکاری با روسیه در پروژه‌های هسته‌ای، پیامی استراتژیک به بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای ارسال می‌کند و بخشی از بازدارندگی غیرنظامی ایران را شکل

می‌دهد. (صدیقی ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۵: Aljazeera). پس از جنگ ۱۲ روزه، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر تقویت همکاری اقتصادی با روسیه نیز متمرکز شد. این سیاست زمینه را برای اجرایی شدن توافق تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا هموار کرد و شامل بخش‌های مختلفی از جمله کشاورزی، صنایع فلزی، انرژی و فناوری می‌شد. تهران با این اقدام، هم روابط راهبردی خود با مسکو را تحکیم کرد و هم تلاش نمود وابستگی اقتصادی به غرب و تحریم‌ها را کاهش دهد. این توافق‌ها همچنین امکان تبادل سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری را فراهم کرد و به افزایش تاب‌آوری اقتصادی ایران کمک نمود. درنهایت، این رویکرد نشان‌دهنده تغییر جهت سیاست خارجی ایران از تمرکز صرف بر مسائل امنیتی به توازن بین امنیت و توسعه اقتصادی است (لوئیس هونز ۱۵ مه ۲۵۰۲۵: reuters.com)

از دیدگاه برخی پس از جنگ ۱۲ روزه، روابط تهران و مسکو وارد مرحله‌ای عملی‌تر، هدفمندتر و متوازن‌تر شده است؛ مرحله‌ای که در آن ایران توانسته با اتکا بر توان بازدارندگی، ظرفیت‌های فناورانه، موقعیت ژئوپلیتیکی و قدرت منطقه‌ای خود سطح همکاری با روسیه را از یک شراکت تاکتیکی به یک محور پایدار در معماری امنیتی اوراسیا تبدیل کند. توافق‌های گسترده در حوزه‌های هسته‌ای، حمل‌ونقل، انرژی و صنایع دفاعی نشان می‌دهد که روسیه صرفاً به دنبال یک شریک گذرا نیست، بلکه ایران را گره راهبردی اتصال شمال-جنوب و ستون اصلی نظم پسا غربی در منطقه می‌بیند. از نگاه ایران، نزدیکی با مسکو صرفاً واکنشی نیست، بلکه بخشی از یک راهبرد بلندمدت برای کاهش اثر تحریم‌ها، افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، تعمیق امنیت انرژی و ایجاد لایه‌های جدید بازدارندگی در برابر تهدیدات آمریکا و اسرائیل است. افزایش حضور اقتصادی و فناورانه روسیه در ایران همچنین به معنای افزایش هزینه هرگونه ماجراجویی نظامی علیه تهران است و این امر جایگاه ایران را در معادلات امنیتی منطقه تقویت می‌کند. در مجموع، ایران توانسته از فضای پسا جنگ بهره‌برد و موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی خود را با ابزارهای دیپلماتیک، امنیتی و اقتصادی تقویت کند؛ بدون آن که استقلال راهبردی خود را فدا کند (دنیای اقتصاد: ۷ آذر ۱۴۰۴). در کل راهبرد ایران مبتنی بر چند محور کلیدی است: تقویت توان دفاعی و امنیتی از طریق

تبادل اطلاعات و رزمایش‌های مشترک، توسعه کریدورهای حمل‌ونقل و شبکه‌های انرژی مستقل برای کاهش وابستگی به مسیرهای تحت کنترل غرب، ایجاد کانال‌های مالی و اقتصادی جایگزین برای خنثی‌سازی تحریم‌ها، بهره‌گیری از دیپلماسی منطقه‌ای و سازمان‌های چندجانبه برای حل اختلافات محلی و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های فرهنگی و اجتماعی برای تقویت پایگاه مردمی و کاهش نفوذ ایدئولوژیک دشمنان. این رویکرد نشان می‌دهد که راهبرد ایران نه تنها مبتنی بر بازدارندگی نظامی، بلکه بر یک سیاست جامع ترکیبی از امنیت، اقتصاد، دیپلماسی و فرهنگ است تا موقعیت راهبردی کشور در منطقه تثبیت شود و امکان حضور خارجی‌ها در نقش میانجی یا ضامن امنیت کاهش یابد (جهان نیوز: ۸ آذر ۱۴۰۴)

نتیجه‌گیری

جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران اگرچه از نظر زمانی کوتاه بود، اما از نظر سیاسی، امنیتی و اقتصادی اثرات عمیقی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برجای گذاشت. این اتفاق نشان داد که جمهوری اسلامی ایران در یک نظام بین‌الملل آنارشیک و بدون مرجع مرکزی قدرت، برای حفظ امنیت، بقا و جایگاه خود در منطقه و فرامنطقه، نیازمند افزایش قدرت و تقویت روابط با بازیگران بزرگ فرامنطقه‌ای است. به ویژه چین و روسیه به عنوان بازیگران قدرتمند با توانمندی‌های نظامی و اقتصادی، به منابع مهمی برای ایران در مسیر بازدارندگی و توسعه ظرفیت‌های راهبردی تبدیل شدند.

ادراک امنیتی ایران پس از جنگ ۱۲ روزه تغییر یافت و اهمیت بازدارندگی نظامی، اقتصادی و فناوری به عنوان ابزاری برای جلوگیری از تهدیدات اسرائیل و هم‌پیمانان آن برجسته شد. ایران با بهره‌گیری از فناوری‌های موشکی و سامانه‌های دفاعی چین و روسیه، توسعه سامانه‌های ماهواره‌ای و افزایش توانایی‌های سایبری، سطح آمادگی خود را در برابر تهدیدات خارجی ارتقا داد. این اقدامات نشان‌دهنده یک رویکرد فعال و پیشگیرانه برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر اقدامات خصمانه بود و توانست هزینه‌های هرگونه اقدام نظامی علیه ایران را برای دشمنان افزایش دهد.

در حوزه اقتصادی، ایران پس از جنگ با تقویت همکاری‌ها با چین و روسیه، سعی کرد وابستگی خود به بازارهای غربی و فشارهای تحریمی را کاهش دهد. قراردادهای انرژی، پروژه‌های زیرساختی، فناوری‌های صنعتی و توافق‌های هسته‌ای با روسیه و چین باعث شد ایران بتواند تاب‌آوری اقتصادی و صنعتی خود را تقویت کند و از فرصت‌های ژئوپلیتیک برای تثبیت موقعیت خود در منطقه بهره‌برد. همکاری‌های اقتصادی با چین نیز علاوه بر ایجاد بازدارندگی نرم، مسیرهای تجاری و شبکه‌های مالی جایگزین را توسعه داد که باعث کاهش فشار تحریم‌ها و اختلالات ناشی از بحران‌های منطقه‌ای شد.

با وجود پیشرفت‌ها، روابط ایران با چین و روسیه هنوز به سطح اتحاد دفاعی رسمی نرسیده و بیشتر در قالب «وفاق راهبردی» و همکاری‌های تاکتیکی و متوازن باقی‌مانده است. ایران

ضمن حفظ استقلال راهبردی خود، توانسته از فضای پسا جنگ برای ایجاد یک سیاست خارجی ترکیبی استفاده کند؛ سیاستی که امنیت نظامی، تاب آوری اقتصادی، توسعه فناوری، دیپلماسی منطقه‌ای و همکاری‌های چندجانبه را در کنار هم قرار می‌دهد. درنهایت، جنگ ۱۲ روزه به عنوان محرکی برای بازتعریف راهبرد ایران در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای عمل کرد و نشان داد که در محیطی که تهدیدات کوتاه مدت و بلندمدت هم‌زمان هستند، سیاست خارجی موفق باید مبتنی بر موازنه قدرت، افزایش تاب آوری و بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی و خارجی برای بازدارندگی جامع باشد. ایران با این رویکرد توانست موقعیت ژئوپلیتیکی و امنیتی خود را در منطقه و نظام بین‌الملل تقویت کند، بدون آنکه استقلال راهبردی خود را فدای همکاری با دیگر بازیگران کند.

منابع

منابع فارسی:

-اعتماد خبر (۱۹ تیر ۱۴۰۴) راهبردهای سیاست خارجی ایران پس از جنگ ۱۲ روزه

<https://www.etemadnewspaper.ir/fa/main/detail/235340>

-تسنیم نیوز (۲۹ مرداد ۱۴۰۴) گزارش مجلس از جنگ ۱۲ روزه | از ابعاد مختلف تا ارائه

راهکار

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1404/05/29/3380703>

-تسنیم نیوز (۲۹ مرداد ۱۴۰۴) گزارش مجلس از جنگ ۱۲ روزه | از ابعاد مختلف تا ارائه

راهکار

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1404/05/29/3380703>

-عمان خالد (۲۰۲۵)، درگیری ایران و اسرائیل: نبردی بر سر نفت، موشک‌ها و قدرت —

گشوده شدن میدان نبرد ژئوپولیتیک

-عرفانی (۱۴۰۳) درآمدی بر روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات دانش پذیر

-گروه پژوهش حقوق بشر اصفهان (۱۵ مهرماه ۱۴۰۴) گزارش تحلیلی: حمله رژیم اسرائیل

به ایران و ترور دانشمندان این کشور از منظر نگرش امنیتی سازی و رویکردهای پسا

استعماری

<https://www.hriui.com/fa/انگلش-تحلیلی-حمله-رژیم-اسرائیل-به-ایران/>

-وبسایت دارایان (۵ تیر ۱۴۰۴) اقتصاد «اسرائیل» در جنگ ۱۲ روزه با ایران چقدر خسارت

دید؟

<https://www.daraian.com/fa/ae/35470>

منابع خارجی:

-توماس گورملی، وبسایت دفاع شفاف واقعی، (۱۵ اکتبر ۲۰۲۵) چین و ایران پس از جنگ

۱۲ روزه

https://www.realcleardefense.com/articles/2025/10/15/china_and_iran_after_the_12-day_war_1140963.html

جهان نیوز (۱۴۰۴)، ایران، روسیه و چین و عرصه‌های همکاری مشترک در قفقاز و آسیای مرکزی

<https://www.jahannews.com/news/960517/>

خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۵ تیر ۱۴۰۴، حکم حقوق بین‌الملل درباره جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران

<https://www.irna.ir/news/85881314>

دیپلماسی ایران (۱۴۰۴)، ضربه جنگ ۱۲ روزه به روابط ایران و روسیه

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2035016>

دنیای اقتصاد، (آذر ۱۴۰۴) روابط تهران و مسکو پس از جنگ ۱۲ روزه/ چه چیزی تغییر کرده است؟

<https://www.shahrekhabar.com/news/17643087603291>

رویترز (۱۵ مه ۲۰۲۵) توافقنامه تجارت آزاد اتحادیه با ایران که مورد حمایت روسیه است، اجرایی شد

شهبازی الهام (۱۳۹۳) ایران و اسرائیل از همکاری تا منازعه

<https://www.reuters.com/world/asia-pacific/russian-backed-union-free-trade-deal-with-iran-goes-into-effect-2025-05-15/>

صدقی، اسد، الجزیره (۲۴ سپتامبر ۲۰۲۵) روسیه و ایران در حالی که تحریم‌ها در راه است، قرارداد نیروگاه‌های هسته‌ای امضا می‌کنند

<https://www.aljazeera.com/news/2025/9/24/russia-iran-sign-nuclear-power-plants-deal-as-sanctions-loom>

عبدلوی، موسسه واشینگتن (۷ ژوئن ۲۰۲۱) چگونه ایران تروریسم حماس را مشتعل می‌دارد

<https://www.washingtoninstitute.org/fa/policy-analysis/chgwnh-ayran-trwrysm-hmas-ra-mshtl-myrdard>

قلی پور و همکاران (۱۴۰۴)، سیاست خارجی اسرائیل از دیدگاه نظریه سازه‌نگاری و تأثیر آن بر امنیت خاورمیانه (مطالعه موردی: عربستان سعودی، ترکیه و ایران)

-میرمحمد صادقی، فرهاد، یورونیوز (۲۰ جولای ۲۰۲۵) تهران در پی بازسازی توان دفاعی پس از جنگ ۱۲ روزه؛ آیا ایران ناامید از روسیه به چین روی آورده است؟

<https://parsi.euronews.com/2025/07/20/iran-pivots-from-russia-to-china-in-quest-for-new-weapons-after-israel-war>

-نیازی زهرا، موسسه پایش خاورمیانه (۱۰ ژوئیه ۲۰۲۵) محدودیت‌های قدرت و تاب‌آوری اقتصادی: درس‌هایی از جنگ اسرائیل و ایران

<https://www.middleeastmonitor.com/20250710-limits-of-economic-strength-and-resilience-lessons-from-the-israel-iran-war/>

منابع خارجی

-Rafał OŻAROWSKI(۲۰۲۵) Iran's EngagEmEnt In syrian ConflICt.

CausEs and ConsEquEnCEs

- Huzeir Ezekiel Dzulhisham(۲۰۲۴) The Impact of Israel's Attacks on

Iran's Foreign and Defence Policies

- Kim Seung-Hyun(۲۰۲۴) The Israel-Iran Conflict: Historical Background and Modern

- Laila Rizky Amaliya(۲۰۲۵) A Cyber War of Iran-Israel: A Geopolitical Rivalry

- AdibaTahirGill(۲۰۲۵)

GREAT POWERR IVALRY AND REGIONAL ESCALATION:THERUSSIA-U.S. PROXY CONFLICT AND IT S IMPACT ON THE IRAN-ISRAEL WAR

-Anna Borshchevskaya, Grant Rumley,(۲۰۲۵) Exploiting Fault Lines in Iran's Relations with Russia and China After the Israel War

<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/exploiting-fault-lines-irans-relations-russia-and-china-after-israel-war>

-MANARA magazine(۲۰۲۵) Discontented with Russia, Iran Eyes Greater Cooperation with China

<https://manaramagazine.org/2025/10/iran-greater-cooperation-with-china>

-the guardin. Moustafa Bayoumi,(۲۰۲۵) Benjamin Netanyahu must be stopped

<https://www.theguardian.com/commentisfree/2025/jun/13/benjamin-netanyahu-war-israel-strikes>

– Xinhua, people's daily online (۲۰۲۵) Israeli attacks on Iran raises risk of regional conflict

<https://en.people.cn/n3/2025/0614/c90000-20327646.htm>